

هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تیز هوش و عادی

دکتر مسعود حجازی^۱

دکتر افسانه صبحی^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور مقایسه میزان هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش و عادی و همچنین بررسی روابط موجود بین این متغیرها صورت گرفت. **روش:** شصت دانش آموز تیزهوش (سی پسر و سی دختر) و شصت دانش آموز عادی (سی پسر و سی دختر) به صورت تصادفی انتخاب شده و با استفاده از مقیاس خود سنجی هوش هیجانی، پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی همسالان، پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و همین طور معدل تحصیلی سال گذشته مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل واریانس چند متغیره، ضریب همبستگی دو متغیره و تحلیل رگرسیون استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد دانش آموزان تیزهوش در متغیرهای مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی نسبت به دانش آموزان عادی برتری دارند اما تفاوتی در میزان هوش هیجانی دو گروه ملاحظه نمی‌شود. بین دانش آموزان دختر و پسر تفاوتی در هیچ یک از متغیرهای تحقیق مشاهده نشد. یافته دیگر این تحقیق نشان می‌دهد تنها متغیر مهارت‌های اجتماعی قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان تیز هوش

^۱ - گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

^۲ - گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

مقدمه

تعاریف متفاوتی در مورد هوش هیجانی (Emotional intelligence) مطرح شده است. هر کدام از این تعاریف نشانگر تئوری ها و خطوط فکری متفاوت و رویکردهای مختلف به این مفهوم است. اصطلاح هوش هیجانی، اولین بار در سال ۱۹۹۰ از سوی سالووی (Salovey) و مایر (Mayer)، به عنوان شکلی از هوش اجتماعی مطرح شد. پس هوش هیجانی به عنوان یک توانایی (سالووی و مایر، ۱۹۹۰) از یک سو و یک سازه شخصیتی (بارون، ۲۰۰۰) از سوی دیگر، از فرآورده های دهه نود قرن بیستم میلادی در علوم روان شناختی است. دغدغه های ناشی از زندگی صنعتی و الگوهای ارتباطی نوین بین انسان ها، پدیدایی این سازه را بیش از پیش اهمیت بخشید، به طوری که تا پایان دهه نود و شروع هزاره سوم میلادی قسمت عمده ای از پژوهش ها را به خود اختصاص داد.

یافته های اصلی از مطالعه های مربوط به افراد با هوش هیجانی بالا نشان می دهد این افراد احساسات خود را به طور مستقیم بیان می کنند، از ابراز احساس های خود نمی ترسند، روابط غیر کلامی را درک می کنند، انتظار موفقیت دارند، به احساس های دیگران احترام می گذارند و از روی ترس و نگرانی اقدام به انجام دادن کاری نمی کنند (بارون، ۲۰۰۰). از سوی دیگر عدم وجود هوش هیجانی در کودکان به معنای آماده بودن زمینه برای وقوع انواع مشکلات و مسائل و اختلالات رفتاری در آنهاست. به عنوان مثال سطوح پایین هوش هیجانی باعث کاهش یافتن قدرت اراده و مدیریت می گردد و همچنین باعث افزایش ناگویی خلقی (Alexithymia)، تنبلی، عصبانیت، خشونت و استرس می گردد. در مورد رفتارهای بیرونی نیز سطوح پایین هوش هیجانی ضعف در فعالیت های تحصیلی، افزایش تمایل به استفاده از دخانیات و الکل و میل به انحرافات جنسی می گردد.

فرض بر آن گذاشته شده است که هر چه سطح هوش هیجانی بالاتر باشد، میزان اختلالات رفتاری کاهش خواهد یافت و مسائلی مانند عدم موفقیت در درس، تنبلی و استرس کمتر بروز خواهد کرد (لیا، ۲۰۰۳). کینمن (Kinman) و گرنٹ (Grant) (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که هوش هیجانی به انعطاف پذیری بیشتر افراد کمک کرده و آن ها را در مقابل استرس ها مقاوم تر خواهد کرد. پس در مجموع وجود رابطه بین سلامت روانی و هوش هیجانی تأیید شده است (گاپتا و کیومار، ۲۰۱۰).

خصوصیات ذکر شده از عواملی هستند که ما را در انجام تعامل های اجتماعی یاری می دهند و از سوی دیگر به نوعی با عزت نفس مرتبط هستند. به نظر می رسد فردی که

دارای هوش هیجانی بالایی است در حوزه تعاملات اجتماعی مهارت بیشتری دارد و به نحو تأثیرگذار بر دیگران عمل می‌کند (موریسون، ۲۰۰۷). گلמן (۱۹۹۵) به اهمیت جنبه‌های کارکردی هیجان در سلامت جسمی و روانی انسان پرداخته و آن را یک سازه مهم و سودمند تلقی نموده است. از سوی دیگر اهمیت رفتارهای اجتماعی به وسیله نقش مهمی که در شناسایی آسیب‌های روانی نوجوانان دارد، تأیید شده است. برای مثال اکثر طبقه بندی‌های تشخیصی که برای کودکان و نوجوانان به کار برده می‌شود، عملکردهای اجتماعی را به عنوان شاخصی از اختلال در نظر می‌گیرند. کمبود مهارت‌های اجتماعی اغلب در میان نوجوانانی که مشکلات رفتاری بیرونی دارند، وجود دارد. همچنین کمبود مهارت‌های اجتماعی با تعدادی از بیماری‌های روانی نظیر افسردگی یا اضطراب همراه شده است (هانسن، نانگل، میر، ۱۹۹۸).

بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با سه متغیر هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در مورد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و عوامل مرتبط با آن ارائه دهد. امروزه یکی از دغدغه‌های اکثر خانواده‌ها پیشرفت تحصیلی فرزندشان می‌باشد. با توجه به اینکه ترک تحصیل و یا عدم پیشرفت تحصیلی پی آمدهای زیانباری را همچون سطوح بالای بیکاری، درآمدهای پایین، افزایش مشکلات جسمی، سلامت روانی ضعیف، افزایش رفتارهای ضد اجتماعی و همچنین هدر رفتن هزینه‌های مالی بسیاری را به دنبال دارد، ضرورت توجه هرچه بیشتر به بهبود پیشرفت تحصیلی و توجه به عواملی که در روند این مسأله تأثیر دارد، بیش از پیش آشکار می‌شود (گلמן، ۱۹۹۵). یکی از موضوعات جدید و جالب توجه برای عده زیادی از محققان هوش هیجانی، موضوع تأثیر هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی است. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که دانشجویان موفق از نظر تحصیلی در برخی از ابعاد هوش هیجانی به طرز قابل توجهی نمرات بالاتری نسبت به سایرین به دست آورده‌اند. علت موفقیت این دانشجویان این است که این افراد بهتر قادر خواهند بود که از عهده خواسته‌های اجتماعی و هیجانی محیط بعد از دبیرستان برآیند و بهتر می‌توانند خود را با شرایط استرس زای جدید وفق دهند. دانش آموزانی که هوش هیجانی بالاتری دارند در فعالیتهای تحصیلی از جمله حضور مرتب در کلاس درس، انجام تکالیف مدرسه و شرکت بیشتر در فعالیت‌های فوق برنامه عملکرد بهتری نشان می‌دهند. اوستین (Austin) و همکاران (۲۰۰۵) نیز با مطالعه‌ای بر روی دانشجویان پزشکی نشان دادند دانشجویانی که هوش هیجانی بالاتری داشتند، همدلی بیشتری نشان می‌دادند

و بهتر می‌توانستند محیط کاری پر استرس را مدیریت کنند. دانشجویان با هوش هیجانی بالا هم در طی دوران تحصیل خود عملکرد بهتری داشتند و هم در آینده به عنوان پزشکانی موفق معرفی شدند. همچنین غنی زاده و معافیان (۲۰۱۰) نیز نشان دادند بین هوش هیجانی و موفقیت‌های معلمان در امر تدریس رابطه وجود دارد.

پژوهش‌های متعدد دیگری به بررسی روابط هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی پرداخته‌اند. برای مثال وان در زی (Vander zee) و همکاران (۲۰۰۲) استوتلمیر (۲۰۰۲)، فانین (۲۰۰۳) ساک وای ونگ (۲۰۰۱)، و لی پاچ-لی (۱۹۹۷) به وجود رابطه بین متغیرهای فوق اشاره کردند. موریرا (Moreira) و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که می‌توان با آموزش مهارت‌های هیجانی به دانش‌آموزان به افزایش مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس آنان اقدام کرد.

از سوی دیگر برخی از پژوهش‌ها به بررسی میزان هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی پرداخته‌اند. پژوهش‌های صورت گرفته از مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس بالای تیزهوشان حکایت کرده‌اند (لوئیز، ۱۹۹۷؛ گروس، ۲۰۰۱؛ سوئتیک، ۲۰۰۲؛ جانک و لی، ۱۹۹۱؛ دال، ۲۰۰۰). درمورد پیشرفت تحصیلی (لیندا، ۱۹۹۲؛ ریزمبرگ، و زی مرمن، ۱۹۹۲؛ و ولایک و همکاران، ۱۹۹۹) تفاوت معناداری به نفع دانش‌آموزان تیزهوش مشاهده کردند. اسکیون (Schwean) و همکاران (۲۰۰۶) نیز نشان دادند دانش‌آموزان تیزهوش از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند.

هدف اصلی این مطالعه دستیابی به ویژگی‌های دانش‌آموزان تیزهوش و عادی از لحاظ «هوش هیجانی»، «مهارت‌های اجتماعی»، «عزت نفس» و «پیشرفت تحصیلی» است. در نتیجه میدان بررسی در سطح دستیابی به معیارهای بنیادی و تبیین ویژگی‌های روان‌شناختی مورد نظر تا حد مقایسه گروه‌های مورد مطالعه گسترش می‌یابد. پیداست که تعیین تفاوت‌هایی که بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی از لحاظ جنس وجود دارد نیز مطرح می‌گردد. از سوی دیگر بررسی رابطه هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی و همین‌طور پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی توسط متغیرهای هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس، به عنوان هدف دیگر پژوهش مطرح است. در این پژوهش وضعیت گروهی در دو حالت تیزهوش و عادی متغیر مستقل، و میزان هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی متغیرهای وابسته محسوب

می‌شوند. جنس متغیر تعدیل کننده و سال تحصیلی متغیر کنترل در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر برای انجام تحلیل رگرسیون، هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس به عنوان متغیرهای پیش بین و پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است.

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های پس رویدادی (همبستگی و علی-مقایسه‌ای) بود. جامعه آماری مورد بررسی در پژوهش حاضر مشتمل بود بر کلیه دانش آموزان سال اول متوسطه مدارس استعدادهای درخشان و مدارس عادی شهر زنجان که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ به تحصیل اشتغال داشتند. نمونه پژوهش حاضر به حجم ۱۲۰ نفر انتخاب شد. نمونه دانش آموزان تیزهوش به تعداد ۶۰ نفر (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) به صورت تصادفی ساده از بین دبیرستان‌های استعدادهای درخشان انتخاب شد. برای انتخاب این افراد پس از هماهنگی‌های لازم، اسامی دانش آموزان سال اول متوسطه به همراه مشخصاتی مثل بهره هوشی از مراجع ذیربط دریافت شد و از بین دانش آموزانی که دارای بهره هوشی بالای ۱۲۰ بودند، ۶۰ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. نمونه دانش آموزان عادی به حجم ۶۰ نفر (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) به صورت تصادفی چند مرحله‌ای از بین دبیرستان‌های عادی شهر زنجان انتخاب شدند. برای این منظور پس از هماهنگی‌های لازم، لیست تمامی مدارس متوسطه دخترانه و پسرانه را دریافت نموده و دو دبیرستان دخترانه و دو دبیرستان پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شدند. با مراجعه به دبیرستان‌های مربوطه، اسامی تمامی دانش آموزان سال اول متوسطه شاغل به تحصیل در آن دبیرستان‌ها را به همراه مشخصاتی از قبیل بهره هوشی دریافت کرده و از بین دانش آموزان با بهره هوشی ۸۵ تا ۱۱۵، ۶۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور اندازه گیری هوش هیجانی آزمودنی‌ها از مقیاس خود سنجی هوش هیجانی قربانی و همکاران (۲۰۰۲)، استفاده گردید. از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ایندر بیتزن و فوستر (۱۹۹۲) برای سنجش مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان و از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) برای سنجش میزان عزت نفس آنان استفاده

گردید. معدل درسی نیز به عنوان معیار پیشرفت تحصیلی به کار رفت که شرح آنها به قرار زیر است:

الف - مقیاس خودسنجی هوش هیجانی: این مقیاس توسط قربانی و همکاران (۲۰۰۲) ساخته شده است و دارای ۳۰ سوال می باشد. این مقیاس از سه خرده مقیاس بازسازی خلقی، تمایز احساسات و توجه به احساسات ساخته شده است.

روایی (Validity) این مقیاس به وسیله اندازه گیری همبستگی این متغیر و آلکسیما، خودآگاهی، افسردگی، اضطراب، عزت نفس و استرس سنجیده شده است. وجود همبستگی بین این متغیر و متغیرهای خودآگاهی و عزت نفس و همین طور همبستگی منفی این متغیر با اضطراب، افسردگی، آلکسیما و استرس نشان دهنده روایی سازه این ابزار می باشد.

ضریب اعتبار (Reliability) این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ مورد اندازه گیری قرار گرفت که برای خرده مقیاس های توجه به احساسات، تمایز احساسات و بازسازی خلقی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۴، ۰/۷۰ به دست آمد. ضرایب فوق نشان می دهد که این ابزار از اعتبار مناسبی برای استفاده برخوردار می باشد.

ب - پرسشنامه مهارت های اجتماعی (TISS): این پرسشنامه توسط ایندر بیتزن و فوستر ساخته شده است و دارای ۴۰ سوال می باشد که یک سوال آن به دلیل عدم انطباق با فرهنگ ایران حذف شده است (سوال شماره ۲۲). روایی همگرایی پرسشنامه از راه های گوناگون از قبیل مقایسه این پرسشنامه با اطلاعات ارزیابی خویشتن، ارزیابی گروه همسالان، و داده های جامعه سنجی به دست آمده است.

اینگلس (Ingles) و همکاران (۲۰۰۳) نیز در تحقیقی نشان دادند نمره های حاصل از این پرسشنامه با نمره های جرات ورزی، مشارکت، حمایت عاطفی و یاری رسانی به دیگران دارای همبستگی می باشد. همچنین این پرسشنامه با نمره های مقیاس های تنهایی و اضطراب اجتماعی دارای همبستگی منفی است.

اعتبار این پرسشنامه توسط ایندر بیتزن و فوستر (۱۹۹۲) ۰/۹۰ گزارش شده است. در این پژوهش نیز با استفاده از آلفای کرونباخ اعتبار این پرسشنامه ۰/۸۴ به دست آمد که اعتبار قابل قبولی می باشد.

ج - پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت: این پرسشنامه دارای ۵۸ ماده است که ۸ ماده آن دروغ سنج است. در مجموع ۵۰ ماده آن بر چهار خرده مقیاس عزت نفس کلی، عزت نفس اجتماعی (همسالان)، عزت نفس خانوادگی (والدین)، و عزت نفس تحصیلی تقسیم

شده است. در این پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ ضریب اعتبار این پرسشنامه ۰/۸۳ به دست آمده که اعتبار قابل قبولی می‌باشد.

د- میانگین پیشرفت تحصیلی: برای سنجش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از میانگین نمرات درسی آنان در سال قبل (سال سوم راهنمایی) استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول شماره یک، میانگین و انحراف استاندارد نمرات هوش هیجانی پیشرفت تحصیلی مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس آزمودنی‌ها به تفکیک گروه‌ها آمده است.

جدول شماره ۱، میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی‌ها

انحراف استاندارد				میانگین				گروه	
عزت نفس	مهارت‌های اجتماعی	هوش هیجانی	پیشرفت تحصیلی	عزت نفس	مهارت‌های اجتماعی	هوش هیجانی	پیشرفت تحصیلی		
۵/۳۱	۱۸/۳۱	۱۹/۴۰	۰/۶۴	۳۸/۶	۱۲۵/۱۳	۱۰۴/۴	۱۸/۸۳	پسر	۱
۴/۷۳	۲۴/۵۳	۲۰/۵۸	۰/۷۳	۳۸/۳۶	۱۲۱/۹۶	۱۰۷/۴۶	۱۸/۶	دختر	
۴/۹۸	۲۱/۵۲	۱۹/۸۹	۰/۶۹	۳۸/۴۸	۱۲۳/۵۵	۱۰۵/۹۳	۱۸/۷۲	کل	۲
۶/۶۴	۲۴/۲۰	۲۱/۳۳	۱/۹۵	۳۰/۶۶	۱۰۳/۴	۱۰۵	۱۵/۵۹	پسر	۳
۸/۳۶	۱۶/۶۷	۱۴/۴۰	۲/۰۳	۲۹/۳۰	۱۰۵/۲۳	۱۰۵/۵۳	۱۵/۵۶	دختر	
۷/۵۲	۲۰/۶۳	۱۸/۰۵	۱/۹۷	۲۹/۹۸	۱۰۴/۳۱	۱۰۵/۲۶	۱۵/۵۸	کل	۴
۷/۱۸	۲۳/۹۳	۲۰/۲۲	۲/۱۷	۳۴/۶۳	۱۱۴/۲۶	۱۰۴/۷	۱۷/۲۱	پسر	۵
۸/۱۴	۲۲/۴۴	۱۷/۶۴	۲/۱۵	۳۳/۸۳	۱۱۳/۶	۱۰۶/۵	۱۷/۰۸	دختر	

همانطور که جدول شماره یک نشان می‌دهد، نمرات دانش آموزان تیز هوش در متغیرهای عزت نفس، پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی بالاتر از دانش آموزان عادی است. برای بررسی معناداری تفاوت دانش آموزان تیزهوش و عادی و همچنین دختر و پسر در چهار متغیر هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی، تحلیل واریانس چند متغیره (Manova) صورت گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲، نتایج آزمون های چندمتغیری در بررسی تأثیر وضعیت ذهنی، جنس و اثر تعاملی این دو

شاخص	نام آزمون	ارزش مشاهده	درجه آزادی فرضیه	خطای درجه آزادی	F تقریبی	سطح معناداری
وضعیت ذهنی	پیلایی	۰/۶۸	۴	۱۱۳	۶۲/۱۹	۰/۰۰۱
	ویلکز	۰/۳۱	۴	۱۱۳	۶۲/۱۹	۰/۰۰۱
	هتلینگ	۲/۲۰	۴	۱۱۳	۶۲/۱۹	۰/۰۰۱
	روی	۲/۲۰	۴	۱۱۳	۶۲/۱۹	۰/۰۰۱
جنس	پیلایی	۰/۰۱	۴	۱۱۳	۰/۳۱	۰/۸۷
	ویلکز	۰/۹۸	۴	۱۱۳	۰/۳۱	۰/۸۷
	هتلینگ	۰/۰۱	۴	۱۱۳	۰/۳۱	۰/۸۷
	روی	۰/۰۱	۴	۱۱۳	۰/۳۱	۰/۸۷
اثر تعاملی وضعیت ذهنی و جنس	پیلایی	۰/۰۰۹	۴	۱۱۳	۰/۲۵	۰/۹۰
	ویلکز	۰/۹۹	۴	۱۱۳	۰/۲۵	۰/۹۰
	هتلینگ	۰/۰۰۹	۴	۱۱۳	۰/۲۵	۰/۹۰
	روی	۰/۰۰۹	۴	۱۱۳	۰/۲۵	۰/۹۰

با استفاده از آزمون T هتلینگ معنی داری F چند متغیره با مقدار ۶۲/۱۹ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ < P حاکی از آن است که بین دانش آموزان تیزهوش و عادی حداقل در یکی از متغیرهای پیشرفت تحصیلی، هوش هیجانی، مهارت های اجتماعی و عزت نفس تفاوت معنادار وجود دارد. برای شناسایی اینکه دانش آموزان تیزهوش و عادی در کدام یک از متغیرها تفاوت دارند، اقدام به تحلیل واریانس یک متغیره نمودیم که نتایج آن در جدول شماره ۳ می آید. اما همان طور که جدول شماره ۲ نشان می دهد تفاوتی بین دانش آموزان دختر و پسر در هیچ یک از متغیرهای فوق الذکر وجود ندارد. بنابراین ضرورتی برای پیگیری نتایج در دانش آموزان دختر و پسر وجود ندارد.

جدول شماره ۳، نتایج آزمون های F تک متغیری در بررسی تأثیر وضعیت ذهنی دانش آموزان

شاخص	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مشاهده	سطح معناداری
پیشرفت تحصیلی	۲۹۲/۲۲	۱	۲۹۵/۲۲	۱۳۲/۳۱	۰/۰۰۱
هوش هیجانی	۱۳/۳۳	۱	۱۳/۳۳	۰/۰۳	۰/۸۴
مهارت های اجتماعی	۱۱۰۹۷/۶۳	۱	۱۱۰۹۷/۶۳	۲۴/۶۴	۰/۰۰۱
عزت نفس	۲۱۶۷/۵۰	۱	۲۱۶۷/۵۰	۵۲/۶۱	۰/۰۰۱

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که دانش آموزان تیزهوش و عادی در متغیرهای پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس تفاوت دارند. با توجه به جدول شماره یک مشخص می‌گردد که دانش آموزان تیزهوش از میزان بالاتری از متغیرهای پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس برخوردارند. اما در متغیر هوش هیجانی تفاوتی بین دو گروه ملاحظه نمی‌شود.

برای بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای پیشرفت تحصیلی، هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس، آزمون همبستگی بین دو متغیر صورت گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴، نتایج ضریب همبستگی دومتغیره

ابعاد	عزت نفس	مهارت‌های اجتماعی	هوش هیجانی	پیشرفت تحصیلی
پیشرفت تحصیلی	۰/۲۶**	۰/۳۴**	۰/۰۷	۱
هوش هیجانی	۰/۰۲	۰/۱۹*	۱	
مهارت‌های اجتماعی	۰/۳۱**	۱		
عزت نفس	۱			

** P < 0/01

* P < 0/05

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد بین متغیرهای پیشرفت تحصیلی و عزت نفس، پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی، هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی با عزت نفس همبستگی وجود دارد.

برای پاسخ به این سوال که آیا هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هستند، تحلیل رگرسیون چندگانه صورت گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول شماره ۵ نتایج ضریب همبستگی

ضریب تبیین شده	ضریب تبیین	همبستگی چندگانه
۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۳۸

جدول شماره ۶ نتایج تحلیل واریانس در پیش بینی متغیر ملاک

مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
۸۰/۴۲	۳	۲۶/۸۰	۶/۵۵	۰/۰۰۱

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که حداقل یکی از متغیرهای پیش بین (هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و یا عزت نفس) قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد.

جدول شماره ۷ نتایج تحلیل رگرسیون

متغیرها	B	بتا	t	معناداری
هوش هیجانی	۰/۰۰۲	۰/۰۱۸	۰/۲۰۱	۰/۸۴۱
مهارت‌های اجتماعی	۰/۰۲۷	۰/۲۸۵	۳/۰۸۱	۰/۰۰۳
عزت نفس	۰/۰۴۹	۰/۱۷۴	۱/۹۲	۰/۰۵۷
مقدار ثابت	۱۲/۲۲	—	۸/۶۴	۰/۰۰۱

نتایج ضریب رگرسیون نشان می‌دهد که از بین متغیرهای هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس، تنها متغیر مهارت‌های اجتماعی قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد.

بحث

هدف اصلی این پژوهش مقایسه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در متغیرهای هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی و همچنین بررسی روابط موجود بین این متغیرها بود. در این باب مشخص گردید دانش‌آموزان تیزهوش از میزان بالاتری از متغیرهای مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی برخوردارند. تفاوتی بین دانش‌آموزان دختر و پسر در هیچ‌یک از متغیرهای فوق‌الذکر ملاحظه نشد و در نهایت این که مهارت‌های اجتماعی تنها متغیری بود که قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بود.

این یافته‌ها با یافته‌های جانک ولی (۱۹۹۱) که مهارت‌های اجتماعی تیزهوشان را بیشتر ارزیابی کردند، گاسکین (Guskin) و همکاران (۱۹۸۸) که نشان دادند از نظر معلمان دانش‌آموزان تیزهوش دارای مهارت‌های اجتماعی بیشتری هستند و دال (۲۰۰۰) که عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی تیزهوشان را بیشتر گزارش کرد، همخوانی دارد. اگر عزت نفس را آن گونه که را جرز تعریف کرد عبارت از ارزیابی و ارزشیابی مداوم شخص نسبت به ارزشمندی خود و نوعی قضاوت شخص نسبت به ارزشمندی وجودی فرد بدانیم، به نظر می‌رسد افراد تیزهوش در این ارزیابی و قضاوت نمرات بالاتری برای خود منظور

می‌کنند. این افراد به خاطر موفقیت‌های بیشتری که در زمینه‌های مختلف و مخصوصاً در زمینه تحصیلی نسبت به دانش آموزان عادی بدست می‌آورند، در ارزیابی خویش به نقاط مثبت خود توجه کرده و این امر باعث افزایش عزت نفس این افراد در مقایسه با افراد عادی می‌شود. عزت نفس بالای دانش آموزان تیزهوش بیانگر نگرشی از موافقت و پذیرش نسبت به قابلیت‌ها، اهمیت و ارزش خود می‌باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد هوش هیجانی عاملی است که از هوش تبعیت نمی‌کند و بالا بودن هوش دانش آموزان تیزهوش، لزوماً به افزایش هوش هیجانی آنها نمی‌انجامد.

در این پژوهش تفاوت معنا داری بین دانش آموزان دختر و پسر در متغیرهای هوش هیجانی، عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی مشاهده نشد. این یافته‌ها با یافته‌های گاتمن و واتسون (۲۰۰۱)، جیمز (۲۰۰۱)، توماس و دابمن (۲۰۰۱) که عزت نفس پسران را بیشتر از دختران ارزیابی کردند همسو نمی‌باشد. همچنین با پژوهش‌های دلیو و کارنس (۱۹۸۷)، ورباخ (۲۰۰۲) پتریدس و فارنهام (۲۰۰۰) که مهارت‌های اجتماعی دختران را بیشتر ارزیابی کردند همسو نیست. به نظر می‌رسد تفاوت‌هایی که بعضاً در میزان هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و یا پیشرفت تحصیلی دختران و پسران گزارش می‌شود ناشی از عوامل فرهنگی می‌باشد. هر فرهنگی با توجه به این که چه رفتارهایی را مطلوب و چه رفتارهایی را نامطلوب قلمداد می‌کند، نوع متفاوتی از الگوهای رفتاری را سبب می‌شود که از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. پیشرفت تحصیلی نیز متغیری است که بیش از آن که تحت تأثیر جنسیت قرار بگیرد، تحت تأثیر عوامل شناختی است.

از دیگر یافته‌های این پژوهش وجود رابطه معنادار بین متغیرهای پیشرفت تحصیلی و عزت نفس، پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی، مهارت اجتماعی و عزت نفس، و هوش هیجانی با مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. لی-کوربین و دنیکلو (۱۹۹۸) ساک وای ونگ و واتکینس (۲۰۰۱) از رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی حکایت کرده بودند که با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. همچنین با نتایج پژوهش پلگرینی و همکاران (۱۹۸۷) که به رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی اشاره کردند، همسو است. در این تحقیق رابطه‌ای بین هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی ملاحظه نگردید که با نتایج پژوهشگرانی همچون نوسام و همکاران (۲۰۰۰) سان نیشن (۲۰۰۲) و ویتازوسکی (۲۰۰۱) همسو است. به نظر می‌رسد کارکرد عمده هوش هیجانی در زمینه‌های اجتماعی و

تعاملات بین فردی است و رابطه چندانی با پیشرفت تحصیلی که یک فعالیت شناختی است، ندارد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضرین است که نتایج حاصل قابل تعمیم به سایر گروه‌ها و جوامع نیست. خود توصیفی بودن سوالات پرسشنامه نیز ممکن است باعث شود اطلاعات دقیق و قابل اعتمادی از دانش‌آموزان اخذ نشود. همچنین در این پژوهش امکان کنترل سایر متغیرها که به نوعی با هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس دانش‌آموزان ارتباط دارند (مثل طبقه اقتصادی- اجتماعی، سبک تربیتی والدین و...) فراهم نبوده است. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان پیشنهاد کرد از آنجا که مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی مرتبط می‌باشند، باید برنامه‌هایی در جهت آموزش مهارت‌های اجتماعی و افزایش عزت نفس دانش‌آموزان تدارک دید. همچنین پیشنهاد می‌شود میزان هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی سایر گروه‌های استثنایی (مثل دانش‌آموزان عقب مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا، معلولین حرکتی و...) مورد بررسی قرار گیرد. همچنین تأثیر متغیرهایی مثل سطح اقتصادی- اجتماعی خانواده، سطح سواد والدین، سبک تربیتی والدین و فرهنگ بر میزان متغیرهای فوق‌الذکر مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت پیشنهاد می‌شود با استفاده از گروه‌های سنی متفاوت روند تحول هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

1. Austin, E.J; Evans, P & Goldwater, R. Potter, V (2005). A preliminary study of emotional intelligence, empathy and exam performance in first year medical students. *Journal of personality and Individual Difference*, 39(8), 1395-1405.
2. Bar- on, Revven & Parker, D.A. (2000). *The handbook of Emotional intelligence*. Sanfrancisco: jassy book.
3. Coopersmith, Stanley (1967). *The antecedent of self-esteem*. Freedman and company safrancisco.
4. Dillio, Victor & Karnes, Frances (1987). Social performance of gifted students as measured by the social performance survey schedule. *Psychological Reports*, 60(2), 396-398
5. Dole, S. (2000). The implications of the risk and resilience literature for gifted students with learning disabilities. *Roeper Review*, 23 (2), 91-97.
6. Fannin, Barbara Ellen (2002). *The contributions of emotional intelligence to academic achievement and production*. Dissertation

- Abstracts International section A: Humanities & social sciences, 62 (12-A), 4055
7. Ghanizadeh, afsaneh; Moafian, fatemeh (2010). The role of EFL teachers' emotional intelligence in their success. *ELT JOURNAL*, 64 (4), 424- 435
 8. Ghorbani, N & et al(2002). Self reported emotional intelligence: construct similarity and functional dissimilarity of higher order processing in Iran and the united states. *International Journal of Psychology*, 37(5), 297- 308.
 9. Goleman , D(1995). Emotional in telligence, why it can matter more than IQ. New york: Bantam book.
 10. Gross, Miraca U.M.(2001). Ability grouping, self esteem,and the gifted: A study of optical illusions and optimal environments. National Research symposium on Talent Development. Scottsdale, AZ,US:Great potential press,Inc,59-88.
 11. Gupta, G & Kumar , s. (2010) Mental Health in Relation to Emotional Intelligence and Self Efficacy among College Students. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*,36(1),61-67.
 12. Guskin, Samuel, Peng, Chao-Ying & Majd-Jabbari, Massoumeh (1988).Teachers' perception of giftedness. *Gifted child Quarterly*, 32 (1), 216-221.
 13. Hansen, David; Nangle , Douglas & Meyer, Kathryn(1998).Enhancing the effectiveness of social skills intervention with adolescents. *Education & Treatment of children*,21(4) ,482-498.
 14. Inderbitzen, Heide M & Foster, sharonl(1992). The Teenage Inventory of social skills: Development, reliability, and validity. *Psychological Assessment*, 4(4), 451-459.
 15. Ingles, candida J & et al(2003). The Teenage Inventory of social skills:reliability and validity of the Spanish translation. *Journal of Adolescence*, 26(4), 505-510.
 16. Janke, Robert & Lee, Kim(1991). Sociall skills rating of exceptional students. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 9(1), 54-66.
 17. James, R (2001). An analysis of children's self – system Processes in relation to gender, age, and length of stay in a residential child care facility. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities & Social Sciences*, 61 (7-A), 2592 – 2599.
 18. Kinman, gail & Grant, louise (2011). Exploring Stress Resilience in Trainee Social Workers: The Role of Emotional and Social Competencies. *British Journal Of Social Work*,41(2),261-275.
 19. Lee – corbin,H. ; Denicolo, P (1998). Portraits of the able child: Highlights of case study research. *High Ability studies*, 9 (2), 207-218
 20. Lepage-Lees, Pamela(1997). Exploring Patterns of achievement and intellectual development among academically successful women from

- disadvantaged backgrounds. *Journal of college student Development*, 38(5), 468-478.
21. Lewis, c (1997). Gifted Asian – American adolescent females. *Dissertation Abstracts International: section B: The sciences & Engineering*, 58 (3-B), 1566-1569.
 22. Liau, Albert & et al(2003). The case for Emotional Literacy: the influence of emotional intelligence on problem behaviors in Malaysian secondary school students. *Journal of Moral Education*, 32(1),51-66.
 23. Linda, Emerik (1992). Academic under Achievement among the gifted. *Roeper Review*, 36 (3), 140- 146.
 24. Maassen, Gerard & Landheer, Johannes A(2000)Peer- Perceived social competence and academic achievement of low-level educated young adolescents. *Social Behavior & personality*, 28(1), 29-39.
 25. Moreira,paulo;crusellas,lorena;Sa,isabel;Gomes,paulo;Matias,carla(2010).Evaluation of a manual-based programme for the promotion of social and emotional skills in elementary school children: results from a 4-year study in Portugal.*Health PromotionInternational*, 25(3),309-317.
 26. Morrison,Tony(2007).Emotional intelligence, emotion and social work: context, characteristics, complications and contribution. *British Journal Of Social Work*,37(2),245-263.
 27. Newsome, Shaun, Day, Arla & catalo, Witco(2000). Assessing the predictive validity of emotional intelligence. *Personality &individual Differences*, 29(6), 1005-1016.
 28. Pellegrine, Davids, Masten, Anns, Garmezy, Norman & Ferrarese, Michael J(1989). Correlates of social and academic competence in middle childhood. *Journal of child psychology & psychiatry & Allied Disciplines*, 28(5), 699-714.
 29. Petrides, K.V. & Furnham, Adrian(2000). Gender differences in measured and self estimated trait emotional intelligence. *Sex Roles*, 42 (5-6), 449-461.
 30. Quatman. Tawatson,T & Watson, c (2001). Gender differences in adolescent self-esteem: An exploration of domains. *Journal of Genetic psychology*, 162 (1), 93-117.
 31. Risemberg, Rafael & Zimmerman, Barry (1992). Self- Regulated learning in gifted students. *Roeper Review*, 12(2), 98-101.
 32. Salovey, P & Mayer, J.D.(1990). Emotional intelligence, Imagination, cognition, and personality. Newyork: Baywood.
 33. Schwean,v;Saklofske,D;Widdifield-konkin, L; Parker, J; Kloosterman, p(2006). Emotional intelligence and gifted children.*E-journal of applied psychology*,2(2),30-37.
 34. Sonnenschein, Mary (2002). Effect of emotional intelligence competencies on academic performance of algebra I students.

- Dissertation Abstracts International section A: Humanities & social sciences, 63(5-A), 1714.
35. Stottlemeyer, B.G. (2002). A conceptual fromfork for emotional intelligence in education: factors affecting student achievement. Unpublished doctoral dissertation , Texas A & Muniversity-Kingsville
 36. Suk wai wong, M& Watkins,D (2001). Self-esteem and ability grouping: A Hong Kong investigation of the big fish little Pond effect. *Educational Psychology*, 21(1), 79-87.
 37. Swiatek, M.A (2002). A decade of longitudinal research on academic acceleration through the study of mathematically Precocious youth. *Roeper Review*, 24(3), 141-144
 38. Thomas, J& daubman, k (2001). The relationship between friendship quality and self –esteem in adolescent girl and boys. *Sex roles* 45(1-2) 53-65.
 39. Van Der Zee, K., Thijs, M., & Schakel, L. (2002). The relationship of emotional intelligence with academic intelligence and the big five. *European Journal of Personality*, 16(2), 103-125.
 40. Vlahovic- stetic, vesna ; vidovic, vlasta Vizek & Arambasic, Lidija (1999). Motivational characteristics in mathematical achievement. A study of gifted high-achieving, gifted underachieving and non- gifted pupils. *High Ability studies*, 10(1),37- 49
 41. Woitaszewski, scott Alan(2001). The contribution of emotional intelligence to the social and academic success of gifted adolescents. *Dissertation Abstracts International section A: Humanities & social sciences*, 62(1-A), 81.

